



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

کلمات شهربازی به انگلیسی + مثال و ترجمه

🕒 ۱۴۰۵/۰۱/۲۵ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی 🕒 ۹۱ بازدید

The graphic features a vibrant illustration of an amusement park. On the left, a roller coaster car is shown in mid-air. In the center, a large Ferris wheel stands prominently. To the right, a red roller coaster track winds through the scene. A hot air balloon with green and white stripes floats in the sky. In the foreground, there are green trees, wooden benches, and an ice cream stand with a sign that says 'ICE CREAM'. The background is a light blue sky with soft white clouds.

کلمات شهربازی به انگلیسی

Amusement Park Vocabulary in English

مثال + ترجمه

zabanmaster.com

موضوعات این مقاله

۱ شهربازی به انگلیسی چیست؟

۲ اسم وسایل شهربازی به انگلیسی

۳ بخش‌ها و مکان‌های مختلف شهربازی به انگلیسی

۴ کلمات مربوط به بلیت و ورود در شهربازی

۵ کلمات مربوط به صف و سوار شدن

۶ بازی‌ها و غرفه‌های شهربازی به انگلیسی

۷ خوراکی‌های رایج در شهربازی به انگلیسی

۸ افعال و عبارات‌های طبیعی در شهربازی

۹ اصطلاحات واقعی انگلیسی در شهربازی

۱۰ جمع‌بندی

۱۱ سوالات متداول

اگر بخواهید درباره شهربازی به انگلیسی صحبت کنید، فقط بلد بودن اسم چند وسیله مثل Ferris یا roller coaster یا wheel کافی نیست – و البته این موضوع در واژگان مربوط به موضوعات دیگر هم در [آموزش زبان انگلیسی](#) صدق می‌کند. در دنیای واقعی، native speakerها درباره شهربازی با واژه‌هایی حرف می‌زنند که به وسایل، صف، بلیت، بازی‌ها، خوراکی‌ها، هیجان و تجربه سوار شدن مربوط می‌شود. در این مقاله، مهم‌ترین و طبیعی‌ترین کلمات شهربازی به انگلیسی را یاد می‌گیرید؛ آن هم با معنی فارسی و مثال‌هایی که واقعا در مکالمه استفاده می‌شوند.

شهربازی به انگلیسی چیست؟

برای گفتن «شهربازی» در انگلیسی چند واژه وجود دارد، اما این‌ها دقیقا هم‌معنی نیستند.

amusement park

شهربازی

We spent the whole afternoon at the **amusement park**.

ما تمام بعد از ظهر را در شهربازی گذرانیدیم.

theme park

پارک موضوعی / شهربازی موضوع محور (مثل دیزنی لند)

Disneyland is one of the most famous **theme parks** in the world.

دیزنی لند یکی از معروفترین پارک‌های موضوعی دنیاست.

carnival

کارناوال / شهربازی موقت و جشن‌گونه

There was a small **carnival** in town last weekend.

آخر هفته گذشته یک کارناوال کوچک در شهر برگزار شده بود.

fair

نمایشگاه تفریحی / جشن محلی

We rode the Ferris wheel at the summer **fair**.

ما در جشن تابستانی سوار چرخ و فلک شدیم.

پس توجه کنید که اگر منظورتان یک شهر بازی دائمی با وسایل مختلف باشد، معمولا amusement park بهترین انتخاب است. اگر آن مکان تم یا داستان مشخصی داشته باشد، theme park طبیعی تر است.

اسم وسایل شهر بازی به انگلیسی

مهم ترین بخشی که بیشتر زبان آموزها دنبالش هستند، اسم وسایل شهر بازی است. اما اینجا فقط کلمات معروف را نمی گوئیم؛ کلماتی را انتخاب می کنیم که هم مهم اند، هم واقعا در مکالمه کاربرد دارند.

roller coaster

ترن هوایی

I'm scared of **roller coasters**, but I still went on one.

ن از ترن هوایی می ترسم، اما با این حال سوار یکیش شدم.

ferris wheel

چرخ و فلک بزرگ

The view from the **Ferris wheel** was amazing.

منظره از بالای چرخ و فلک فوق العاده بود.

carousel

اسب چرخان / کاروسل

The kids wanted to ride the **carousel** again.

بچه‌ها می‌خواستند دوباره سوار کاروسل شوند.

bumper cars

ماشین‌های کوبنده

We had so much fun on the **bumper cars**.

سوار ماشین کوبنده خیلی بهمون خوش گذشت.

drop tower

برج سقوط آزاد

That **drop tower** looks terrifying.

آن برج سقوط آزاد واقعا ترسناک به نظر می‌رسد.

pirate ship

کشتی ساحل

I always feel sick after riding the **pirate ship**.

من همیشه بعد از سوار کشتی ساحل شدن حالم بد می‌شود.

teacups

فنجان‌های چرخان

The **teacups** made me really dizzy.

فنجان‌های چرخان واقعا سرم را گیج کردند.

swing ride

تاب گردان

My sister loves the **swing ride**.

خواهرم عاشق تاب گردان است.

log flume

قایق آبی / سرسره آبی شهربازی

We got completely soaked on the **log flume**.

ما روی قایق آبی کاملاً خیس شدیم.

kiddie ride

وسیله مخصوص کودکان

That area is full of **kiddie rides**.

آن بخش پر از وسایل مخصوص کودکان است.

بیشتر بخوانید: [کلمات حمل و نقل به انگلیسی](#)

بخش‌ها و مکان‌های مختلف شهربازی به انگلیسی

فقط اسم وسایل مهم نیست؛ خیلی وقت‌ها لازم است درباره بخش‌های مختلف شهربازی هم حرف بزنید.

entrance

ورودی

Let's meet at the main **entrance**.

بیا جلوی ورودی اصلی همدیگر را ببینیم.

exit

خروجی

The **exit** is on the other side of the park.

خروجی در آن طرف شهر بازی است.

ticket booth

باجه بلیت

We bought our tickets at the **ticket booth**.

ما بلیت‌هایمان را از باجه بلیت خریدیم.

food court

فودکورت

Let's grab something to eat at the **food court**.

بیا از فودکورت چیزی برای خوردن بگیریم.

arcade

سالن بازی

The **arcade** was packed with teenagers.

سالن بازی پر از نوجوان بود.

gift shop

فروشگاه سوغاتی

She bought a cute toy from the **gift shop**.

او یک اسباب بازی بامزه از فروشگاه سوغاتی خرید.

parking lot

پارکینگ

We had a hard time finding the car in the **parking lot**.

ما به سختی توانستیم ماشین را در پارکینگ پیدا کنیم.

ride area

بخش وسایل بازی

The **ride area** was crowded after sunset.

بخش وسایل بازی بعد از غروب شلوغ بود.

بیشتر بخوانید: مکان‌ها به انگلیسی

کلمات مربوط به بلیت و ورود در شهربازی

ticket

بلیت

Don't lose your **ticket** before we get inside.

قبل از اینکه برویم داخل، بلیتت را گم نکن.

admission

ورودی / هزینه ورود

Admission is free for children under five.

ورود برای کودکان زیر پنج سال رایگان است.

wristband

دستبند ورود

You need a **wristband** to use most of the rides.

برای استفاده از بیشتر وسایل، به دستبند ورود نیاز داری.

ride pass

کارت / مجوز استفاده از وسایل

We got a **ride pass** for unlimited access.

ما یک کارت استفاده نامحدود از وسایل گرفتیم.

all-day pass

بلیت یک‌روزه / بلیت تمام‌روز

An **all-day pass** is cheaper if you plan to stay long.

اگر قصد داری مدت زیادی بمانی، بلیت تمام‌روز ارزان‌تر درمی‌آید.

fast pass

بلیت عبور سریع از صف

We used a **fast pass** for the most popular rides.

ما برای محبوب‌ترین وسایل از بلیت عبور سریع استفاده کردیم.

height requirement

حداقل قد مجاز

My son couldn't go on the ride because of the **height requirement**.

پسرم به خاطر حداقل قد مجاز نتوانست سوار آن وسیله شود.

کلمات مربوط به صف و سوار شدن

این‌ها کلمات و عبارت‌هایی هستند که native speakerها واقعا زیاد استفاده می‌کنند.

line

صف

The **line** for that ride is ridiculous.

صف آن وسیله به شکل مسخره‌ای (غیرقابل باوری) طولانی است.

queue

صف

We stood in the **queue** for almost forty minutes.

ما تقریبا چهل دقیقه در صف ایستادیم.

stand in line

در صف ایستادن

I don't want to **stand in line** for an hour.

من نمی‌خواهم یک ساعت در صف بایستم.

get on a ride

سوار وسیله شدن

We finally **got on the ride** just before sunset.

ما بالاخره درست قبل از غروب سوار وسیله شدیم.

get off a ride

از وسیله پیاده شدن

He looked pale when he **got off the ride**.

او وقتی از وسیله پیاده شد، رنگش پریده بود.

wait time

زمان انتظار

The **wait time** was over an hour.

زمان انتظار بیشتر از یک ساعت بود.

take turns

نوبتی انجام دادن

We **took turns** playing the arcade games.

ما بازی‌های آرکید را نوبتی بازی کردیم.

بیشتر بخوانید: افعال پرکاربرد انگلیسی

بازی‌ها و غرفه‌های شهر بازی به انگلیسی

arcade game

بازی سالنی / بازی آرکید (یک بازی ویدیویی ساده و سریع که معمولا روی دستگاه‌های سکه‌ای در مکان‌های عمومی مثل شهر بازی‌ها انجام می‌شود)

He spent all his coins on **arcade games**.

او تمام سکه‌هایش را صرف بازی‌های آرکید کرد.

claw machine

دستگاه چنگکی (شکار جایزه)

I almost won a teddy bear from the **claw machine**.

من نزدیک بود از دستگاه چنگکی یک خرس عروسکی ببرم.

prize

جایزه

She won a big **prize** at one of the booths.

او در یکی از غرفه‌ها یک جایزه بزرگ برد.

booth

غرفه

That **booth** has a ring toss game.

آن غرفه یک بازی حلقه اندازی دارد.

token

توکن / ژتون

Some of the games only accept **tokens**.

بعضی از بازی‌ها فقط ژتون قبول می‌کنند.

stuffed animal

عروسک پولیشی

He won me a **stuffed animal**.

او برای من یک عروسک پولیشی برد.

بیشتر بخوانید: کلمات و اصطلاحات بازی کامپیوتری به انگلیسی

خوراکی‌های رایج در شهربازی به انگلیسی

cotton candy

پشمک

The kids were walking around with pink **cotton candy**.

بچه‌ها با پشمک صورتی در حال راه رفتن بودند.

popcorn

پاپ‌کورن / ذرت بو داده

We bought a big bucket of **popcorn** to share.

ما یک سطل بزرگ پاپ‌کورن خریدیم که با هم بخوریم.

hot dog

هات‌داگ

I grabbed a **hot dog** before getting in line.

من قبل از رفتن به صف، یک هات‌داگ گرفتم.

corn dog

سوسیس سوخاری چوبی

Corn dogs are a classic amusement park snack.

کورن داگ یکی از خوراکی‌های کلاسیک شهربازی است.

slushie

یخ‌دربهشت

I needed a cold **slushie** after being out in the sun.

بعد از ماندن زیر آفتاب، یک یخ‌دربهشت لازم داشتم.

بیشتر بخوانید: تمام غذاها به انگلیسی

افعال و عبارتهای طبیعی در شهربازی

scream

جیغ کشیدن

Everyone **screamed** when the ride dropped.

وقتی وسیله ناگهان پایین آمد، همه جیغ کشیدند.

spin

چرخیدن

I can't handle rides that **spin** too fast.

من نمی‌توانم وسایلی را که زیادی سریع می‌چرخند تحمل کنم.

drop

پایین افتادن

My stomach dropped when the ride started.

وقتی وسیله حرکت کرد، دلم ریخت.

buckle up

کمر بند را بستن

Please **buckle up** before the ride begins.

لطفا قبل از شروع وسیله، کمربندت را ببند.

hold on

محکم گرفتن / خود را نگه داشتن

Just **hold on tight** and enjoy it.

فقط سفت بچسب و از آن لذت ببر.

chicken out

از ترس بی خیال شدن

I was going to ride it, but I **chickened out**.

می خواستم سوارش شوم، اما از ترس منصرف شدم.

freak out

خیلی ترسیدن / دستپاچه شدن

My little brother **freaked out** on the roller coaster.

برادر کوچکم در ترن هوایی خیلی ترسید.

اصطلاحات واقعی انگلیسی در شهربازی

That ride was insane.

آن وسیله دیوانه وار هیجان انگیز بود.

That ride was insane. I'd totally go on it again.

آن وسیله فوق العاده هیجان انگیز بود. من قطعاً دوباره سوارش می شوم.

I'm not getting on that.

من عمراً سوار آن بشوم.

No way. **I'm not getting on that.**

امکان ندارد. من عمراً سوار آن بشوم.

The line is way too long.

صفش زیادی بلند است.

Let's come back later. The line is way too long.

بیا بعدا برگردیم. صفش زیادی بلند است.

I'm dizzy.

سرهم گیج می رود.

Give me a minute. I'm really dizzy.

یک دقیقه به من مهلت بده. واقعا سرهم گیج می رود.

That was actually fun.

راستش خیلی هم خوب بود / اتفاقا خیلی خوش گذشت.

I was nervous at first, but **that was actually fun.**

اولش استرس داشتم، اما راستش خیلی خوش گذشت.

بیشتر بخوانید: آموزش اسلنگ انگلیسی

جمع بندی

برای یاد گرفتن کلمات شهربازی به انگلیسی فقط حفظ کردن اسم چند وسیله کافی نیست. اگر بخواهید طبیعی‌تر و شبیه native speaker حرف بزنید، باید واژگان مربوط به وسایل، صف، بلیت، بازی‌ها، خوراکی‌ها و واکنش‌های واقعی را هم بلد باشید.

بهترین روش یادگیری این واژه‌ها این است که آن‌ها را با جمله‌های واقعی و کوتاه تمرین کنید؛ دقیقا مثل مثال‌هایی که در این مقاله دیدید.

سوالات متداول

amusement park یعنی چه؟

یعنی شهربازی؛ جایی که در آن وسایل تفریحی، بازی و بخش‌های سرگرمی مختلف وجود دارد.

تفاوت theme park و amusement park چیست؟

amusement park شهربازی به صورت عمومی است، اما theme park معمولا بر اساس یک موضوع یا داستان خاص طراحی شده است.

roller coaster یعنی چه؟

ترن هوایی به انگلیسی.

برای «در صف ایستادن» در شهربازی به انگلیسی چه می‌گویند؟

رایج‌ترین عبارات stand in line و wait in line هستند.